تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۶
(ص۱۳-۱۹)

ذکر خاندان پیامبر اسلام (ص) در فولکلور یزیدیان

ویکتوریا آراکِلُوا*

چکیده

آیین یزیدی سنّتی التقاطی است که عناصر ناهمگون بسیاری را از ادیان شمال بین‌النّهرین اقتباس کرده‌است. این ویژگی التقاطی که ریشه در میراث تصوّف دارد با برخی از باورهای غُلاة شیعه، ادیان پیش از اسلام ایران، مکتب گنوسی و سایر سنّت‌های به‌جامانده از دنیای باستان نیز درآمیخته‌است. یکی از بحث‌انگیزترینِ این موارد ذکر نام اهل بیت پیامبر اسلام (ص) در سنّت سفاهی یزیدی یا به‌اصطلاحِ یزیدیان **قول‌البیت** است. نگارنده در مقالهٔ حاضر چند نمونهٔ نمادین از فولکلور یزیدیان را که در آنها ذکری از خاندان حضرت محمّد (ص) به میان آمده، مورد بحث و مداقّه قرار داده‌است.

کلیدواژه‌ها: آیین یزیدی، سنّت شفاهی یزیدی (*قول‌البیت*)، عناصر اسلامی، اهل بیت

* استاد انستیتوی خاورشناسی دانشگاه روسی– ارمنی (اسلاونی)، ایروان/ دانشگاه دولتی ایروان
victoria.arakelova@rau.am | ORCID: 0000-0001-9884-1331

درآمد

ردّپای تصوّف در آیین یزیدی که برخاسته از سلسلهٔ عرفانی عَدَویّه است، کاملاً طبیعی است.[۱] ولی از سوی دیگر آیین یزیدی با فرقه‌های افراطی شیعی یا به‌اصطلاح غُلاة شیعه نیز دارای شباهت‌هایی است (Arakelova 2004; eadem. 2015؛ نیز نک. Asatrian/Arakelova 2014: 121-123)؛ این اشتراکات زمانی معنادار می‌شوند که بدانیم آیین یزیدی کاملاً از اسلام فاصله گرفته و هویت اساساً جدیدی به دست آورده‌است. برخی پژوهشگران اشتراکات یزیدیان و غُلاة شیعه را ناشی از وجود عناصر گنوسی در این دو مذهب می‌دانند (نک. Asatrian/Arakelova 2014: 124-126)، ولی باید توجّه داشت که ذکر خاندان پیامبرِ اسلام (ص) یعنی برجسته‌ترین شخصیت‌های تاریخ اسلام در فولکلور یزیدی (مجموعه سرودهای *قول‌البیت*) در راستای شناخت یزیدیانِ غیرمسلمان، خود نیازمند تحلیل ویژه‌ای است. حتّی در برخی از نمونه‌های فولکلور یزیدی اشاراتی به مفاهیم محض شیعی نیز دیده می‌شود که این مورد اخیر از اشتراکات میان آیین مزبور و غُلاة شیعه نیز بحث‌انگیزتر است. اصولاً نگاه خصمانه‌ای که از بیرون نسبت به جامعهٔ یزیدی وجود داشته موجب شکل‌گیری خودآگاهی کاملاً جدیدی در بین آنها شده‌است؛ به‌طوری که آنها خود را ذیل نام **یزید** می‌شناسند (برای تفصیل در این باره، نک. Arakelova 2006; eadem 2010).

بحث

تقریباً تمامی اهل بیت پیامبر، به‌استثنای حضرت محمّد (ص) با سنّت یزیدی تطبیق داده شده و در متون مذهبی فولکلوریک به‌عنوان قهرمانان یزیدی معرّفی گردیده‌اند. نام حضرت محمّد و امام اوّل شیعیان، علی (ع) در یکی مقدّس‌ترین سرودهای آیین یزیدی، Qawlē Saramargē یعنی «نماز میّت» (معنای تحت‌اللّفظی: «سرود مرگ») ذکر شده‌است (Şex K'eleş: 16):

Řūh' čū, mā qadībī qālib,
Řāwāstīya sar ma dastakī tālib;

[۱] دربارهٔ منشأ آیین یزیدی، نک. Аракелова 2006، نیز: Guest 1987. برای آگاهی بیشتر دربارهٔ عناصر صوفیانه در آیین یزیدی، نک. Asatrian/Arakelova 2014: 128-129، نیز: Arakelova 2001.

Avā k'āsā vaxwārīya navī Mah'madē bin A'vdila,
A'līyē bin A'būt'ālib.

ترجمه:
«روح رفت [و] قالب تهی ماند،
دست طلب‌کنندهٔ [روح] (یعنی «مرگ») بر سر ما آویزان است،
[حتّی] پیامبر، محمّد بن عبدالله [نیز] این جام را نوشید،
و علی بن ابیطالب [هم]».

همان طور که پیداست در این رباعی به واقعیت‌های موجود در خود آیین یزیدی هیچ اشاره‌ای نشده‌است، این قطعه شعر آشکارا منعکس‌کنندهٔ عقاید اسلامی است؛ به‌طوری که می‌توان آن را نمونه‌ای از فولکلور مسلمانان کرمانجی‌زبان تلقّی کرد. شگفت‌آور آنکه در آیینی که هرگونه ارتباط با دین اسلام را انکار می‌کند، رحلت پیامبر اسلام و امام اوّل شیعیان به‌عنوان یک **مرز مقایسه** یا terminus comparationis عمل کرده و از آن برای نشان دادن بنیادِ سست حیات و اجتناب‌ناپذیر بودن مرگ استفاده شده‌است. تا آنجا که نگارنده این سطور می‌داند این سرود تنها متن یزیدی است که در آن از پیامبر اسلام نام برده شده‌است.

به‌هرحال، حضور شخصیت علی در سنّت اقتباسی یزیدی بسیار چشمگیر و پررنگ است؛ علی در فولکلور یزیدی در مقام یک قهرمان افسانه‌ای ظاهر می‌شود و برای دفاع از مقدّسات یزیدی با کفّار می‌جنگد. لقب علی در روایات یزیدی نیز درست مانند شیعیان، Šērē xwadē «شیر خدا» (عربی: اسدالله) است. نام اسب علی نیز در آیین یزیدی **دُنْدُل**[1] است؛ یعنی همان نام اسب افسانه‌ای امام اوّل شیعیان، **دُلْدُل** که بر طبق روایات اسلامی علی بن ابیطالب در جنگ با کفّار بر آن سوار می‌شد. در شعر کلاسیک فارسی نیز به کرات به این نام برمی‌خوریم:

درود ملک بر روان تو باد — بر اصحاب و بر پیروان تو باد ...
خردمند عثمان شب‌زنده‌دار — چهارم **علی** شاه **دلدل**سوار

(سعدی ۱۳۸۵: ۳۰۸)

[1] این نام از واژهٔ عربی **دُلْدُل** به‌معنایِ «خارپشت» گرفته شده‌است. نام این اسب افسانه‌ای در فولکلور اقوام آسیای مرکزی و قفقاز شمالی نیز رواج دارد.

شایان ذکر است که در روایات اسلامی این نام را به اسب خاکستری‌رنگ پیامبر اسلام نیز نسبت داده‌اند.

عنصر شیعی **دندل** (یا **دادول**) چنان در آیین یزیدی ریشه دوانیده که به‌جز علی، شیخ عدی (یکی از اقانیم ثلاثه یا خدایان سه‌گانهٔ یزیدی در کنار ملک طاووس و سلطان یزید) [۱] نیز صاحب آن دانسته شده‌است:

Šīxādī mi habū A'rabistānē,
Xudānē Dādul ū dāna (Celil/Celil 1978: 319).

ترجمه:

«من در عربستان شیخی داشتم،
صاحب **دادول** و **دان** (؟)».

در سنّت یزیدی ملک طاووس را صاحب **دندل** می‌دانند؛ البتّه باید توجّه داشت که از ملک طاووس تحت نام تمثیلی **شرف‌الدین** [۲] یاد می‌کنند؛ زیرا ملک طاووس برای یزیدیان بسیار مقدّس است و بردن نام او تا حدودی تابو تلقی می‌شود:

Šarfadīnō, xarzē gulē,
A'māmata (a'lāmat) dastē gulē,
Šarfadīn sīyārē Dundulē.
Šarfadīna—dīnē mina,
Šarfadīna—dīnē mina (Asatrian/Arakelova 2014: 41).

ترجمه:

«شرف‌الّدین (ملک طاووس)! تو گل سبزی،
تجسّم یک دسته گلی (یعنی رنگارنگی)،
شرف‌الّدین، دین من است،
شرف‌الّدین، دین من است».

---

[۱] برای آگاهی بیشتر در این باره، نک . Asatrian/Arakelova 2014: Chapters 1-3.

[۲] برای آگاهی بیشتر دربارهٔ پیشینهٔ کاربرد این لقب برای اشاره به ملک طاووس، نک . Asatrian/Arakelova 2014: 29-30.

حال بازگردیم به سیمای علی (ع) در آیین یزیدی؛ یکی از جالب‌ترین نمونه‌های فلولکور مذهبی، داستان «علی، شیر خدا در جهان آخرت» (A'lī Šērē Xwadē Āxiratēdā) است که داستان سفر علی بن ابیطالب به دنیای پس از مرگ را روایت می‌کند. بن‌مایهٔ «سرگردانی روح قهرمان در عالم عقبی» در بسیاری از سنّت‌ها وجود دارد، ولی داستان سفر علی از بسیاری جهات یادآور کتاب معروف *ارداویراف‌نامه* به زبان پهلوی است. علی در این سفر با چشمان خویش تنبیه عاصیان و گناهکاران و جزای نقض احکام دینی یزیدی را مشاهده می‌کند (Asatrian 2002).

از دیگر متونی که در آن از اهل بیت پیامبر اسلام سخن به میان رفته‌است، می‌توان به سرود «علی، شیر خدا» اشاره کرد؛ در این سرود علاوه بر علی بن ابیطالب، از فاطمه (س)، دختر پیامبر و همسر علی نیز با نام **فاطمه** و با صفت **تابنده‌رو/ رخشان‌چهره** (Fātima dēm šalāla) یاد شده‌است. در متن مزبور به نام‌های **حسن**، **حسین**، **زینب** (Zīn) و **عایشه**، همسر پیامبر نیز برمی‌خوریم:

Či sibaka nahīna!
Digrī A'yš, Fāt ū Zīna
Savā hard kuřē A'līna.

A'lī dihāta māla,
Fātimē pēřā šař ū qāla;
Gōta: "Ta girtī kirina zīndānē",
Aw Fātima dēm šalāla (Ibid.: 403).

ترجمه:

«چه بامداد هولناکی!
عایشه و **فاط** [یعنی فاطمه (س)] می‌گریستند،
برای دو پسر علی [یعنی حسن و حسین (ع)]،

علی به سوی خانه می‌رفت،
فاطمه با او مشاجره کرد،
[به او] گفت: تو اسیران را زندانی کردی،
آن **فاطمهٔ** تابنده‌رو».

فاط در سرود بالا مخفّف نام **فاطمه** است. دلیل این تغییر گویا تطبیق آن با قواعد زبان کرمانجی است؛ ظاهراً Fātima (یا Fātīma) در این زبان ترکیبی اضافی (Fātā /Fātī ma ma) به‌معنیِ «فاطِ ما» تلقّی شده و سپس **فاط** در قیاس با Pīrā Fāt که جدّهٔ مقدّس یزیدی‌هاست، از آن انتزاع شده‌است. شایان ذکر است که **پیرافات** در آیین یزیدی حامی نوزادان و زنان باردار است (برای آگاهی بیشتر، نک . Asatrian/Arakelova 2014: 72-76).

نیازی به تأکید نیست که بیشتر موارد مذکور در بالا، در مراحل اوّلیّهٔ تکوین آیین یزیدی و شاید قدری پیش از آن، یعنی در دورهٔ عدویّه، وارد سنّت یزیدی شده و به‌سبب نبودِ نهاد مذهبیِ متمرکز و جزم – به‌معنای دقیق کلمه – در سنّت مزبور حفظ گردیده‌است.

کتابنامه

سعدی، مصلح‌الدّین (۱۳۸۵)، *کلیات سعدی*، به‌تصحیح محمّدعلی فروغی، تهران: هرمس.

Аркелова В. (2006), «К истории формирования езидской общины», *Iran-name* vol. 40, pp. 63-66.

Arakelova, V. (2001), "Sufi Saints in the Yezidi Tradition: I. *Qawlē Husēyīnī Halāj*", *Iran and the Caucasus*, vol. 5, pp. 183-192.

Arakelova, V. (2004), "Notes on the Yezidi Religious Syncretism", Iran and the Caucasus, vol. 8.1, pp. 19-28.

Arakelova, V. (2005), "Sultan Ezid in the Yezidi Tradition: Genesis of the Character", *Journal of Persianate Societies*, vol. 3, pp. 198-202.

Arakelova, V. (2010), "Ethno-religious Communities: To the Problem of Identity markers", *Iran and the Caucasus*, vol. 4.1, pp. 1-19.

Arakelova, V. (2015), "The Shibboleths of Heresies: On Some Essential Markers of the Near Eastern Non-Dogmatic Milieu", *Studies on the Iranian World-II: Medieval and Modern*, A. Krasnowolska/R. Rusek-Kowalska (eds.), Krakow, pp. 119-128.

Asatrain G. (2002), "The Yezidi Divina Comedia", Paper read at the international symposium *Religious Texts in Iranian Languages*, Copenhagen, May, 2002.

Asatrain G./Arakelova V. (2014), *The Religion of the Peacock Angel: The Yezidis and their Spirit World*, Durham.

Celil O./Celil C. (1978), *Zārgōtinā k'urdā*, Erevan.

Guest J. (1987), *The Yezidis: A Study in Survival*, New York.

Şex K'eleş H. (1995), *Řē-řizmā milatē ēzdī āngōrī qirārē dīn*, Rewān.

The Prophet Muhammad's Family in the Yazidi Religious Lore

Victoria Arakelova
Russian-Armenian (Slavonic) University, Yerevan
Yerevan State University, Yerevan

Abstract

The Yezidi eclectic tradition has adapted numerous heterogeneous elements of the religious landscape of Northern Mesopotamia. This is, first of all, a serious Sufi component, which is quite natural for the ethno-confessional community rooted in Sufism. Besides, this is a number of obvious parallels with the Extreme Shi'a field, what is explained, among other things, by the Gnostic segment in the both religious systems. Finally, these are common Islamic elements, preserved in the tradition despite its complete rejection of Islam and formation of a fundamentally new identity. The most controversial fact here is the references to the *Ahl al-Bayt*, the representatives of the Prophet Muhammad's family, in the Yezidi religious code (*qawl- ū-bayt*). The article presents several examples of the Yezidi lore, reflecting this phenomenon.

Keywords: Yezidism, Yezidi Religious Lore (*Qawl-ū-bayt*), Muslim Elements, the *Ahl al-Bayt*